

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هفتم، شماره‌ی بیست و پنجم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۵۲-۱۲۳

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان شهری و روستایی دوره‌ی پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۴۰)

شهرام یوسفی‌فر*، سیده فهیمه موسوی**

چکیده

هدف نگارندگان در پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی و بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در آثار نویسندگان شهری و روستایی است. در بیشتر آثار داستانی رویکرد مثبتی به معلمان وجود دارد، به‌ویژه معلمانی که سختی تدریس در روستاهای دورافتاده را تحمل می‌کردند؛ اما از اواخر دهه‌ی چهل داستان‌هایی نوشته شد که در آن‌ها شخصیت آموزگاران منفی بود. پژوهش حاضر در پی یافتن چگونگی شخصیت‌پردازی آموزگاران روستایی در داستان‌ها و علت نگارش داستان‌هایی با نگاه منفی به آموزگاران در این برهه‌ی زمانی است. گمان می‌رود این بازنمایی دوگانه، متأثر از تفاوت در خاستگاه نویسندگان باشد. با بررسی داستان‌ها و زندگی نویسندگان‌شان می‌توان ویژگی دو گفتمان شهری و روستایی را شناسایی کرد و علت پیدایش هریک از این بازنمایی‌های دوگانه را دریافت. در این پژوهش سی‌وچهار داستان بررسی شده‌اند که شخصیت آموزگار در آن‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: آموزگار، داستان، دوره‌ی پهلوی دوم، گفتمان شهری و روستایی، تاریخ فرهنگی.

* استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (shyousefifar@yahoo.com)

** کارشناس ارشد تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول).

(fahimehmusavi.fm@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۰ تاریخ تایید: ۱۳۹۵/۰۳/۰۴

مقدمه

در طول تاریخ ایران، همواره بر لزوم احترام به آموزگار در متون ادبی و تعلیمی تأکید شده است. نگاه مثبت به آموزگاران را می‌توان ناشی از گفتمان مسلط بر جامعه‌ی ایرانی دانست که همواره برای علم و به تبع آن برای تعلیم‌دهندگان، جایگاه والایی قایل بوده‌اند. بیشتر نویسندگان این متون زادگاه شهری داشتند و خوانندگان نیز شهرنشین بودند؛ در واقع شهرنشینان می‌توانستند تحصیل کنند و به نگارش متن‌های داستانی بپردازند. آن‌ها در فضای آموزشی‌ای تربیت می‌شدند که همواره جایگاه والای آموزگاران به شاگردان گوشزد می‌شد و هیچ‌کس این اصل پذیرفته شده را زیر سوال نمی‌برد که آموزگار به‌طور کلی - بدون توجه به ویژگی‌های فردی‌اش - دارای منزلت بالایی است و حتی تنبیه آموزگاران از روی خیرخواهی است. در متون ادبی کهن، اشعار و قصه‌های بسیاری با درون‌مایه‌ی محترم بودن استاد و لزوم حفظ احترام معلمان، حتی در صورت پرخاش و تندى آن‌ها، نگاشته شده است. برای نمونه می‌توان به اشعار زیر اشاره کرد:

هر آن طفل کو جور آموزگار	نبیند جفا بیند از روزگار ^۱
اگر در جهان نبود آموزگار	شود تیره از بی‌خرد روزگار ^۲
زند استاد اگر سیلی به شاگرد	نباشد جز پی آموزگاری
از آن فولاد در آتش گدازد	کز او سازند تیغ کارزاری ^۳

این نگاه کلیشه‌ای به آموزگار همواره تکرار می‌شد، افرادی که در این گفتمان آموزش می‌دیدند نیز آن را تکرار می‌کردند؛ در نتیجه، این نحوه‌ی بازنمایی شخصیت آموزگار فراگیرتر می‌شد. این پیش فرض در رابطه با آموزگاران مدارس جدید نیز ادامه می‌یابد و معلمان با شخصیتی مثبت در داستان‌های دوره‌ی پهلوی ظاهر می‌شوند، معلمان همواره

۱. سعدی (۱۳۶۸)، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ص ۱۶۵.

۲. جامی (۱۳۷۸)، مثنوی هفت‌اورنگ، تصحیح و تحقیق از اعلاخان افصح‌زاد و حسین‌احمد تربیت، تهران: مرکز مطالعات ایرانی، مرکز نشر میراث مکتوب، آینه میراث، ج ۲، ص ۴۳۷.

۳. قائنی (بی‌تا)، قصاید قائنی، تهران: بی‌نا، ص ۴۰۳، قصیده شماره ۳۳۴ (در مدح امیرالامراء حسن خان نظام‌الدوله)

محبوب و آگاه هستند، آن‌ها سعادت شاگردان خود را می‌خواهند و گاه اگر دانش‌آموزان را تنبیه می‌کنند، از روی خیرخواهی است. مدیر مدرسه‌ی داستان مدیر مدرسه آل احمد، کودکی را به چوب می‌بندد و داستان به گونه‌ای تعریف می‌شود که پیداست نویسنده معلم را برحق می‌داند: «جلو روی بچه‌ها کشیدمش زیر مشّت و لگد، بعد سه تا ترکه‌ها را... به سر و صورتش خرد کردم... تازه می‌فهمیدم کسی را زده‌ام که لیاقتش را داشته. پرخوری شبانه‌روزی و نازپروردگی‌اش را به ضرب مشّت و لگد از سراسر اعضای بدنش کنده بودم و دور ریخته بودم. حتماً اولین باری بود که چنین مشّت و مالی می‌دید».^۱

پیش از دهه‌ی چهل، بسیاری از روستاها از امکانات آموزشی محروم، و روستاییان عموماً بی‌سواد بودند؛ نهایتاً در برخی از روستاهای نزدیک به شهرهای بزرگ، ملایی قرائت قرآن و اشعار چندی را به روستاییان می‌آموخت. بسیاری از زمین‌داران صاحب نفوذ، مانع تأسیس مدرسه در روستا می‌شدند که مهم‌ترین دلیل بی‌سوادی گسترده در روستاها بود.^۲ در برخی داستان‌ها مانند «چوپان‌ها» به تلاش ارباب برای بی‌سواد ماندن روستاییان اشاره شده است.^۳ پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ش این مانع بزرگ برطرف شد. علت دیگر اندک بودن تعداد باسوادان، عدم تمایل تحصیل‌کردگان برای رفتن به روستا بود؛ بنابراین امکان نداشت تمامی روستاها پوشش داده شوند.

پس از دهه‌ی چهل با گسترش نظام آموزشی و به‌ویژه ایجاد سپاه‌دانش، آموزگاران وارد روستاها شدند. با ایجاد سپاه‌دانش، که یکی از اصول دوازده‌گانه انقلاب سفید بود، از سربازان باسواد برای آموزش روستاییان استفاده شد، هرچند این سپاهیان به اندازه‌ای نبودند که بتوانند تمام روستاها را پوشش دهند، اما گامی در جهت آموزش گسترده‌ی روستاییان بود.^۴

۱. جلال آل‌احمد (۱۳۵۰)، مدیرمدرسه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۳۱، ۱۲۹.

۲. پروانه آبراهامیان (۱۳۷۶)، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی‌فارسانی، تهران: شیرازه، ص ۸۸.

۳. منصور یاقوتی (۱۳۵۳)، با بچه‌های ده خودمان، تهران: آوا، ص ۸.

۴. نک: محمدعلی کاتوزیان (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: مرکز، ص ۳۳۹-۳۳۵؛ فرد هلیدی (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین،

با گشایش مدارس روستایی و به تبع آن ورود آموزگاران به روستاها و افزایش تعداد داستان‌های مرتبط با روستا، تصویر کلیشه‌ای از آموزگار نیز وارد داستان‌های روستایی شد. آموزگاران در این داستان‌ها، نه تنها آموزش روستاییان را بر عهده گرفتند، بلکه با نگاهی دلسوزانه متوجه زندگی تمامی اهالی روستا هستند. نویسندگان این آثار که با بازتولید فرهنگی باعث تثبیت این نگرش شده‌اند، شهری بودند و تحت تأثیر همان نگاه کلیشه‌ای قرار داشتند و مهم‌تر اینکه بیشتر آن‌ها همچون آل‌احمد، فقیری و درویشیان، معلم بودند.

مسئله‌ای که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته این است که پس از دهی چهل داستان‌هایی نوشته شده که نویسندگان آن‌ها، شخصیت‌پردازی مطلقاً مثبت آموزگاران را رد کردند. برخی از نویسندگان در داستان‌هایشان آموزگاران افسرده‌ای را به تصویر می‌کشند که ابایی از تنبیه بدنی و تحقیر کودکان ندارند و زنان روستایی را اغفال می‌کنند. پژوهش حاضر به دنبال مطالعه‌ی چگونگی شخصیت‌پردازی آموزگاران در داستان‌های روستایی است. پس از مطالعه‌ی داستان‌ها، ابتدا باید فهمید که این تصویرسازی متفاوت از کجا نشأت گرفته است؟ کدام داستان‌ها و به چه علتی تصویر کلیشه‌ای معلم فداکار را برهم زدند؟ آیا نویسندگان این آثار از فضای گفتمانی متفاوتی سربرآورده‌اند؟ فرضی که به ذهن می‌آید این است که با افزایش سطح سواد روستاییان، میزان دسترسی آن‌ها به ابزار گفتمانی نیز افزایش یافت و برخی از روستاییان به نگارش داستان پرداختند؛ فرد روستایی که در گفتمان متفاوتی پرورش یافته است و هنوز تحت تأثیر قوانین حاکم بر فضای آموزشی (شهرها) قرار ندارد، در برابر بازنمایی‌های کلیشه‌ای و به زعم نویسنده روستایی، دور از واقعیت شخصیت آموزگاران واکنش نشان می‌دهد.

واژه‌ی داستان در ادبیات، اصطلاحی عام است که موارد گوناگونی چون داستان کوتاه، داستان بلند و رمان را دربرمی‌گیرد. داستان با قصه و حکایت از نظر ساختار و ماهیت، تفاوت‌هایی دارد: ساختارش بر پیرنگ استوار است، در آن به جای قهرمان‌سازی،

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۲۷

شخصیت‌پردازی می‌شود؛ شخصیت‌ها عموماً از میان آدم‌های عادی و واقعی انتخاب می‌شوند؛ زبان و گفتار متناسبی با موقعیت اجتماعی شخصیت‌ها به کار گرفته می‌شود و زمان و مکان معین و معلوم دارد.^۱

در ادامه‌ی این پژوهش، سی و چهار داستان، بیست و چهار داستان از نویسندگان شهری و ده داستان از نویسندگان روستایی، با روش تحلیل گفتمان فوکویی، بررسی شده است. فوکو در آثارش همواره کوشیده است تا صدای افراد فرودست را بازتاب دهد و با بررسی رویه‌های گفتمانی و نقش قدرت در ساخت دانش و نظام معرفتی در اصول پذیرفته شده در رابطه با موضوعی تردید ایجاد کند؛ به طور مثال در تاریخ جنون و مراقبت و تنبیه همین دغدغه وجود دارد که دغدغه‌ی اصلی پژوهش حاضر نیز هست؛ فوکو در دیرینه‌شناسی دانش از گفتمان، سه تعریف ارائه می‌کند، گاه آن را حیطه‌ی کلی همه‌ی گزاره‌ها می‌خواند، گاه مجموعه‌ی قابل تمایزی از احکام و در نهایت به مثابه رویه‌ی قاعده‌مندی که بر برخی از احکام دلالت دارد.^۲ در پژوهش حاضر تنها یکی از احکام پذیرفته شده در گفتمان شهری، شناسایی شده که با واکنش نویسندگان آثار روستایی مواجه است، اگرچه به دلیل طرد گفتمانی موفق به تغییر این حکم نمی‌شوند. با بررسی داستان‌هایی که شهری‌ها و روستایی‌ها نوشته‌اند، احکام هر یک از این دو گفتمان در رابطه با شخصیت‌پردازی آموزگاران به دست خواهد آمد.

دسترسی به گفتمان، یکی از مفاهیمی است که از آن استفاده خواهد شد، و به میزان حق تعریف بر اساس قدرت هر گروه اشاره دارد.^۳ روستاییان به دلیل نداشتن قدرت و سواد کافی، کم‌تر از یک شهری به ابزار گفتمانی دسترسی دارند، از شصت داستان‌نویسی که به مسایل روستاییان در دوره‌ی پهلوی توجه کرده‌اند، که داستان‌های مورد بررسی در این پژوهش از میان آن‌ها انتخاب شده است، تنها ده نویسنده روستایی هستند؛ در واقع

۱. سیما داد (۱۳۷۱)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید، ص ۱۲۲-۱۱۸.

۲. میشل فوکو (۱۳۹۳)، دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افسین جهان‌دیده، تهران: نی، ص ۱۱۸.

۳. سارا میلز (۱۳۸۸)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم، ص ۹۲-۸۹.

روستاییان قادر به ارایه رویکرد و نگرش خود نبودند؛ ایشان علاوه بر اینکه به ابزار گفتمانی دسترسی کمتری دارند، دچار طرد گفتمانی نیز می‌شوند. به طور مثال خواهیم دید اولین آثار روستایی که در آن تصویری متفاوت از معلم ارایه می‌شود، چگونه از سوی روشنفکران شهری طرد می‌شود و همین موضوع علت عمده‌ی در حاشیه ماندن نگرش روستایی به آموزگار است.

در این نوشتار، تلاش می‌شود تا با رویکرد فرهنگی به چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران توجه شود؛ به عبارت دیگر، نگارنده می‌کوشد با قرار دادن داستان‌ها در بستر تاریخی‌شان، تأثیر خاستگاه نویسندگان را در پدید آمدن این شکل از بازنمایی بررسی کند؛ همچنین در پی درک ذهنیت روستایی نسبت به آموزگاران است تا مشخص شود که چگونه با تسلط گفتمان شهری بر جامعه، نگاه روستاییان در حاشیه باقی می‌ماند و به نوعی، هژمونی فرهنگی شکل می‌گیرد.^۱

در رابطه با چنین موضوعی، یعنی بررسی نحوه‌ی بازنمایی شخصیت آموزگاران در یک دوره‌ی تاریخی، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و تنها در رشته‌های دیگر چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی در رابطه با آموزگاران پس از انقلاب، تحقیقاتی انجام شده است که کمکی به پژوهش حاضر نمی‌کند.

همان‌طور که اشاره شد، داستان‌ها منابع اصلی این پژوهش هستند. از میان دویست و پنجاه و یک داستان که نگارنده درباره‌ی روستا و مهاجران روستایی در شهر مطالعه کرده، سی و چهار داستان برای تحلیل انتخاب شده است. از بین این آثار بیست و چهار داستان از آثار نویسندگانی با خاستگاه شهری و ده داستان از آثار نویسندگانی با خاستگاه روستایی انتخاب شده‌اند که در ادامه شرح داده خواهد شد. علاوه بر داستان‌های نوشته شده در مقطع زمانی مورد نظر، آثاری که پس از ۱۳۵۷ نگاشته شده‌اند نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، زیرا این آثار، فضای روستایی پیش از انقلاب را به تصویر کشیده‌اند و نویسندگان آن‌ها نیز این دوره‌ی زمانی را درک کرده‌اند؛ در واقع این داستان‌ها

۱. پیتر برک (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگی چیست؟، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده

تاریخ اسلام، ص ۹۹-۹۷.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۲۹

خاطرات دوره‌ی تحصیل نویسندگان در روستا است و با مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان به اطلاعات مهمی دست یافت.

بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در آثار نویسندگان شهری:

دوره زمانی	آثار نویسندگان شهری که معلم روستایی را به تصویر می‌کشند بر اساس تاریخ نگارش
دهه چهل	دهکده پرمال (۱۳۴۳)، ره‌آورد (۱۳۴۳)، گنو (۱۳۴۴)، گرگ (۱۳۴۴)، رییس و مالک (۱۳۴۵)، شاهگل (۱۳۴۴)، آبی و عشقش (۱۳۴۵)، گل سرخ (۱۳۴۵)، آینه‌های سپاه (۱۳۴۵)، حرف‌های سرقبر (۱۳۴۶)، نفرین زمین (۱۳۴۶)، خسته آدم‌خسته‌تر رفتم (۱۳۴۸)، ای وایلا (۱۳۴۹)
دهه پنجاه	صدای پرنده‌ای گریان (۱۳۵۰)، حباب (۱۳۵۲)، تاتارخندان (۱۳۵۳)، کوچ (۱۳۵۴)، دره هندآباد گرگ دارد (۱۳۵۴)، ندارد (۱۳۵۶)، کاه (۱۳۵۶)، گل محمد و آقای مرادی (۱۳۵۷)، غیرمنتظره (۱۳۵۷)، آقای منصوری (۱۳۵۷)، خروس سربریده (۱۳۵۷)

پس از دهه‌ی چهل جریانی به ویژه با آثار آل‌احمد و صمد بهرنگی آغاز شد که شخصیت مثبتی به معلم بخشید؛ نویسندگان در داستان‌ها معلمان خوب شهر را به تصویر کشیدند. در همین دهه، بازنمایی مثبت از آموزگاران وارد داستان‌های روستایی نیز شد؛ زیرا از سویی، پس از تصویب قانون بحث‌برانگیز اصلاحات ارضی و واکنش روشن‌فکران به آن، توجه به روستا افزایش یافت. از سوی دیگر، با ورود نظام آموزشی جدید و سپاه‌دانش به روستاها، داستان‌هایی با چنین مضمونی وارد نوشته‌های روستایی شدند و بسیاری از این معلمان به تولید آثار داستانی پرداختند.

از میان بیست و چهار داستان شهری که بررسی شده‌اند بیست و یک داستان نگاهی کاملاً مثبت به معلم دارند؛ معلمان این داستان‌ها فداکارانه به مردم کمک می‌کنند و در روستاها محبوب هستند. در سه اثر، به معلم خوب و بد باهم اشاره شده است، هیچ اثر شهری را نیافتم که شخصیت معلم در آن مطلقاً منفی باشد. آموزگاران این آثار را می‌توان به چهار دسته‌ی کلی تقسیم کرد: آموزگاران مهربان و راهنما، آموزگاران سخاوتمند،

آموزگاران کوشا برای بهبود زندگی روستاییان و آموزگارانی که نگران وضعیت زنان روستا هستند. علاوه بر این، به دو نکته‌ی دیگر در رابطه با آموزگاران توجه خواهد شد: نخست رفتار روستاییان با آموزگاران و سپس سختی زندگی آموزگاران در روستا.

۱. آموزگار مهربان و راهنما

مهربانی مهمترین ویژگی است که در این آثار به معلمان نسبت داده می‌شود؛ معلمانی که حتی اگر کاری هم انجام ندهند همواره به فکر دردها و سختی زندگی روستاییان هستند. امین فقیری، از اولین داستان‌نویسانی است که در دهه‌ی چهل به بازنمایی شخصیت آموزگار در روستا پرداخته است. او سال‌ها در روستاهای دو استان فارس و کرمان به تدریس مشغول بود^۱ و بیشتر داستان‌هایش از زبان معلمی دلسوز تعریف می‌شود. در داستان‌های «دهکده پرملال» و «ره‌آورد» معلم همیشه به درد دل روستاییان گوش می‌کند؛ در داستان نخست از خبر مرگ کودک روستایی و در داستان دوم از خبر مرگ نوجوانی بسیار متأثر می‌شود.^۲ در داستان «گنو» معلمی محرم اسرار نمکو نوجوان روستایی است.^۳ در داستان‌های «ای واویلا» و «خسته آمدم خسته‌تر رفتم» معلم روستا از بدبختی‌هایی که بر سر روستاییان می‌آید و درماندگی روستاییان هنگام فقر و قحطی اندوهگین می‌شود.^۴ در «صدای پرنده‌ای گریان می‌آید» معلم، محبوب روستاییان است و نظرش برای روستاییان اهمیت دارد؛ او نیز نگران آینده دانش‌آموزانش است.^۵ معلم داستان «کوچ» سرگذشت خانواده‌ای غریب در روستا را می‌گوید که با آنها مهربان است؛ اما مردم روستا، پسر کوچک این خانواده را به خاطر غریب بودن آزار می‌دهند.^۶ فقیری، در تمام داستان‌هایش

۱. حسن میرعابدینی (۱۳۸۶)، فرهنگ داستان‌نویسان/ایران، تهران: چشمه، ص ۲۱۳.

۲. امین فقیری (۱۳۵۳)، دهکده پرملال (مجموعه داستان)، تهران: سپهر، ص ۱۵۷، ۱۴۷، ۱۴۴-۱۴۳.

۳. همان، ص ۲۲۲-۲۱۹.

۴. امین فقیری (۲۵۳۶)، کوفیان (مجموعه داستان)، تهران: سپهر، ص ۱۲۷-۱۱۹، ۶۶-۶۹.

۵. همان، ص ۷۳-۶۸.

۶. دهکده پرملال، ص ۲۰۳-۲۰۱.

معلمان را خوب به تصویر کشیده‌است.

در داستان «حباب» اثر ناصر مؤذن، معلمی پس از دو سال به روستا باز می‌گردد، مشتاق دیدار شاگردانش است و خاطرات دوران معلمی‌اش در آن روستا و فقر و گرسنگی کودکان را به یاد می‌آورد: «از نظر دیگران و تا اندازه‌ای از نظر خودم، معلم خوبی نبودم. در درس دادن کتاب‌های درسی چندان حرکتی نداشتم و بیشتر وقت کلاس را صرف خواندن آواز دسته جمعی و ورزش می‌کردم. همیشه اینطور به نظرم می‌رسید که بچه‌ها وقتی صبح از خانه به مدرسه می‌آیند آنقدر خسته‌اند که انگار از مدرسه به خانه آمده‌اند تا استراحت کنند. عده‌ای از بچه‌ها روی درخت کنار با میوه‌های آن ناشتا می‌کردند.»^۱ و وقتی به روستا می‌رسد حسن را می‌بیند که به کلی تغییر کرده و با قاچاقچیان همکاری می‌کند و معلم ناراحت تباه شدن زندگی دانش‌آموز با استعدادش است.^۲

در داستان نفرین زمین، معلمی را می‌بینیم که با تحقیر به روستاییان نگاه می‌کند، از نظرش هیچ‌کس در روستا نمی‌فهمد و او عقل کل است، با نگاهی از بالا و ریشخندی بر لب رفتار روستاییان را قضاوت می‌کند.^۳ همان روزهای اول به زنی بیوه - مادر یکی از دانش‌آموزان - دست‌درازی می‌کند،^۴ و اگر با پخش جریان، مردم روستا خبردار نمی‌شدند ترجیح می‌داد ماجرا مسکوت بماند اما بالاجبار با او ازدواج می‌کند.^۵ در ادامه هنگامی که خانواده‌ی چلنگر به روستا می‌آیند تمام حواسش به دید زدن اندام خواهر مردی است که با او نان و نمک خورده است.^۶ اما با وجود همه‌ی این مسایل، معلم قهرمان داستان است که آگاهانه مسایل را تحلیل می‌کند و نگران مردم روستاست و فاجعه و درگیری بین روستاییان زمانی رخ می‌دهد که معلم به روستای کناری رفته^۷ و گر نه شاید با راهنمایی شر

۱. ناصر مؤذن (۱۳۵۲)، *رقص در انبار* (مجموعه داستان)، تهران: کتاب میرا، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۵۰-۶۱.

۳. *نفرین زمین*، ص ۲۷۹-۲۸۵، ۱۹۵-۱۹۰، ۱۵۹، ۱۵۵-۱۵۶، ۱۵۱-۱۵۰، ۱۱۳، ۶۱-۵۸، ۵۳.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. همان، ص ۹۵-۹۶.

۶. همان، ص ۲۶۸-۲۶۹، ۲۶۰-۲۶۱.

۷. همان، ص ۳۱۴-۳۱۸.

را می‌خواند. آل‌احمد که خود معلم بوده است^۱، در دو کتاب مدیر مدرسه و نفرین زمین از زاویه‌ی یک معلم با مسایل روبرو می‌شود. علی‌اشرف درویشیان از دیگر نویسندگان شهری است که در روستا معلم بوده^۲ و مجموعه داستان/از این ولایت، ماجراهایی است درباره‌ی روستا و از زاویه دید معلم؛ در این داستان‌ها نیز معلم به بازنمایی رنج و فقر روستاییان می‌پردازد و از مرگ کودکان روستایی مانند «ندارد» غمگین است.^۳

داستان‌های مجموعه‌ی لالی تنها داستان‌هایی از نویسنده‌ای شهری است که در آن نگاه کاملاً مثبتی به معلم وجود ندارد. در این داستان‌ها، آقای مرادی معلمی مهربان و محبوب است که از دیگر همکارانش انتقاد می‌کند، این مجموعه داستان در ۱۳۵۷ منتشر شده است و در واقع از آخرین داستان‌های شهری دوره‌ی پهلوی هستند که معلمان روستا را نشان می‌دهند. نویسنده در داستان «غیر منتظره» از معلمی به نام نادرپور می‌گوید که باندی به راه انداخته و فقط به دنبال کسب ثروت است و معلم ورزشی که به دانش‌آموزان فحش‌های ناموسی می‌دهد.^۴

۲. آموزگار سخاوتمند

یکی از صفاتی که در برخی داستان‌ها به معلم روستا اطلاق می‌شود بخشندگی است؛ معلمی که به روستاییان کمک می‌کند. معلم داستان «دهکده پرمال» برای کودک روستایی کیفی خریده و به روستا می‌آورد.^۵ در داستان «ره‌آورد» معلم روستا هربار که به شهر می‌رود سفارش‌های مردم روستا را برایشان تهیه می‌کند.^۶ معلم داستان «گنو» هر بار موقع بازگشت به روستا با خود شیرینی‌هایی می‌آورد و بین اهالی پخش می‌کند و نمی‌تواند به

۱. فرهنگ داستان‌نویسان، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۱۲۳.

۳. علی‌اشرف درویشیان (۲۵۳۶)، از این ولایت (مجموعه داستان)، تهران: شبگیر، ص ۶۰-۵۶، ۱۲-۶.

۴. بهرام حیدری (۱۳۵۸)، لالی (مجموعه داستان)، تهران: امیرکبیر، ص ۳۴.

۵. دهکده پرمال، ص ۱۴۷-۱۴۶.

۶. همان، ص ۱۵۰.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۳۳

تنهایی این خوراکی‌ها را بخورد: «قوطلی‌های آب نبات، شیرینی را باز می‌کردم، به آنها هم می‌دادم تنهایی به دلم نمی‌چسبید... مردم ده خیلی بدبخت بودند، هیچ کدام از این خوراکی‌ها به چشم‌شان نخورده بود».^۱

داستان «گل محمد و آقای مرادی» تنها داستان از نویسندگانی شهری است که در آن تصویر ناخوشایندی از معلم ارایه شده است؛ در این داستان به رفتارهای بد نادرپور و اینکه هر کاری برای به دست آوردن پول می‌کند اشاره می‌شود، سر مردم را کلاه می‌گذارد و بیشتر شبیه یک چاقوکش است تا معلم؛^۲ اما در همین داستان، شاهد دست و دلبازی مرادی هستیم که هربار که به دیدن گل محمد می‌آید برایش هدایایی می‌آورد.^۳ و یا در داستان «غیرمنتظره» از همین مجموعه آقای مرادی به شاگردانش کمک مالی می‌کند.^۴ در داستان‌های نویسندگان روستایی خواهیم دید که معلمان به تصویر کشیده می‌شوند که از روستاییان انتظار هدایا و خوراکی دارند و هیچ کمکی به روستاییان نمی‌کنند.

۳. آموزگاران که برای بهبود زندگی روستاییان تلاش می‌کنند

در این باره، معلمی که مهربان هم هست، وضعیت بد زندگی روستاییان را مشاهده می‌کند و تلاش دارد تا با اقداماتی به بهبود زندگی روستاییان کمک کند. در داستان «گرگ»، سپاه‌دانش به درخواست مردم، تلاش می‌کند در مقابل زورگویی‌های مالک روستا بایستد؛ اما مردم روستا زیر فشارهای مالک معلم را تنها می‌گذارند.^۵ در داستان «رییس و مالک» نیز معلم روستا تنها کسی است که از روستاییان حمایت می‌کند و مالک قصد دارد با تبدیل زمین او به باغ، بر اساس یکی از بندهای قانون اصلاحات ارضی، زمینش را تصرف کند.^۶

۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. لالی، ص ۲۲۴-۲۲۲.

۳. همان، ص ۳۲۰-۳۱۹.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. همان، ص ۲۰۷-۲۰۶.

۶. امین فقیری (۱۳۵۷)، سخن از جنگل سبز است و تهردار و تبر (مجموعه داستان)، تهران: زردیس،

در داستان «خروس سر بریده» معلم می‌خواهد به روستاییان کمک کند و پزشکی به روستا می‌آورد.^۱ آقای اشراقی مدیر داستان *تاتار خندان* نیز به روستای زادگاهش بازگشته تا بدون حقوق و مواجب به روستاییان خدمت کند و حتی به آن‌ها کمک مالی می‌کند.^۲ در داستان *نفرین زمین* معلم در کارهای عمرانی روستا نیز کمک می‌کند، با تلاش‌های او حمام مرمت می‌شود و مرده‌شورخانه‌ای ساخته می‌شود.^۳ در داستان‌های نویسندگان روستایی هیچ معلمی چنین اقداماتی انجام نمی‌دهد.

۴. آموزگارانی که نگران وضعیت زنان روستا هستند

در داستان‌های نویسندگان شهری، بارها شاهد توجه معلم شهری به ظلم‌هایی که در روستا به زنان می‌شود هستیم. در داستان «شاهگل» زنی که به روسپی‌گری متهم شده است با فرزندانش نیمه شب از روستا طرد می‌شود و در این میان تنها معلمان روستا نگاهی انسانی دارند و نگران شاهگل و فرزندانش هستند: «رفیقم پوزخند می‌زد معلوم بود که از خشم است با نگاهش به من می‌گفت خوب چشمت را باز کن بیشتر نگاه کن و ما آخر ده ایستاده بودیم که شاهگل تو تاریکی صحرا فرو رفت... با بی حوصلگی ورق را کناری انداخت بدبختی داریم‌ها خب بما چه که شاهگل را از ده بیرون کردن... ولی بچه‌هاشو دیدی؟ اصلاً نگاه کردی چقدر مستأصل بودند».^۴

در داستان «آبی و عشقش» زن روستایی شوهرداری، عاشق معلم روستا است و معلم نیز با وجود علاقه‌ای که به این زن دارد فاصله خود را با او حفظ می‌کند.^۵ در داستان «گل‌سرخ» معلم روستایی با اندوه، از زندگی تباه شده‌ی دختر بچه‌ای مانند گل‌سرخ می‌گوید، که پدرش او را در ازای خری به مرد زنی‌داری می‌دهد.^۶

۱. همان، ص ۲۳۴-۲۳۸.

۲. غلامحسین ساعدی (۱۳۷۳)، *تاتار خندان*، تهران: به‌نگار، ص ۲۲۸-۲۲۶.

۳. *نفرین زمین*، ص ۱۵۱.

۴. *دهکده پرمال*، ص ۱۶۳.

۵. همان، ص ۳۵-۳۰.

۶. *آینه‌های سیاه*، ص ۳۶-۳۰.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۳۵

در داستان «دره هند آباد گرگ دارد»، مدیر مهربانی را می‌بینیم که به همه کمک می‌کند و اجازه نمی‌دهد کودکان را با بردن سر زمین، از نعمت سواد محروم کنند. در این داستان، نگاه کلیشه‌ای به معلم تکرار می‌شود؛ اما نکته‌ی مهمی در داستان وجود دارد؛ کاک پیروت از مدیر ناراحت است که به زور پسرش را به مدرسه برده است. وی روزی در حال بازگشت از خرمن، مدیر را روی بام خانه‌اش می‌بیند و او را به داشتن رابطه‌ی نامشروع با همسرش متهم می‌کند تا بدین ترتیب از مدیر زهرچشم بگیرد؛ سپس به این بهانه با دیگر روستاییان او را به شدت کتک می‌زنند.^۱ نکته مهم داستان، همین متهم کردن معلم به اغفال زنان است؛ موضوعی که در داستان‌های روستایی مطرح شده است ولی در داستان‌های شهری هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌شود. در این داستان شهری، می‌شود به صورت غیرمستقیم به وجود چنین مسایلی حول شخصیت آموزگار پی برد؛ هر چند در داستان مورد نظر این اتهام رد می‌شود و نویسنده معلم بی‌گناه را قربانی خشونت و جهل روستاییان می‌داند. در رابطه با این موضوع تنها یک داستان متفاوت از نویسنده‌ای شهری در مجموعه‌ی لالی اثر بهرام حیدری دیده می‌شود؛ داستان «آقای منصوری» ماجرای معلمی است که زن و چهار فرزند دارد اما قصد اغفال شاگردش را دارد.^۲

۵. چگونگی رفتار و علاقه روستاییان نسبت به آموزگاران

موضوع دیگری که در این داستان‌ها بازتاب یافته، اشاره به علاقه‌ی روستاییان و احترام بیش از حد به معلمان است. به طور مثال در داستان «گنو» معلم روستا می‌گوید: «آنها می‌خواستند پس از خدمت برای معلمی به همان ده برگردم امیدوارشان می‌کردم».^۳ منوچهر شفیانی از جمله نویسندگانی است که مدت‌ها در روستا به تدریس مشغول بوده؛^۴ در مجموعه داستانی قرعه آخر که پس از مرگش منتشر شد، معلمان روستایی را می‌بینیم که

۱. محمد محمدعلی (۱۳۵۴)، دره هند/آباد (مجموعه داستان) تهران: پیروز، ص ۲۸-۳۴.

۲. لالی، ص ۴۵-۵۹.

۳. دهکده پرملال، ص ۲۱۸.

۴. فرهنگ داستان‌نویسان ایران، ص ۱۶۷.

داستان‌هایی تعریف می‌کنند؛ در یکی از این داستان‌ها به نام «حرف‌های سر قبر» جایگاه معلم در روستا و رفتار روستاییان با او نمایان می‌شود؛ اینکه در هر مراسمی حضور معلم برای روستایی اهمیت بسیار دارد و در رابطه با هر موضوعی با او مشورت می‌کنند.^۱ مجموعه‌ی *آینه‌های سیاه* اثر محمود کیانوش، داستان‌هایی در رابطه با روستا، از زبان معلمی است که سال‌ها در روستا مشغول تدریس بوده.^۲ در داستان «آینه‌های سیاه» شاهد توجه کدخدا و فرزندان به معلمان روستا هستیم که آن‌ها را به خانه‌شان دعوت می‌کنند.^۳ این موضوع در آثار فقیری، آل‌احمد و دیگر نویسندگان شهری نیز دیده می‌شود و یکی از نقاط اشتراک آثار شهری و روستایی است که اشاره به تمامی آن‌ها در این مجال ممکن نیست.

۶. سختی زندگی در روستا

موضوع دیگری که در داستان‌های فقیری قابل توجه است، اشاره به سختی زندگی در روستا برای معلم شهری است: شاپور گفت: «...فکر کردی ما درس نمی‌دیم. اینطور نیست. ما هر چی رو دوست نداریم دلمون برا این بچه‌های بدبخت می‌سوزه. شش کلاس و دو نفر، چون خرس می‌خواد...» شاپور گفت: «...هیشکه اینجاها احوال ترا نمی‌پرسه. کسی نمی‌یاد به تو بگه زنده‌ای یا مرده‌ای... تازه استعفای رو هم قبول نمی‌کنن، معلمی برات میشه سوء سابقه بذار یه برف بزنه و دوماه دوماه تو ده بمونی و کثافت از سر و روت بالا بره. کبدت تنبل بشه و زیر گردنت در اثر خوردن دایم تخم مرغ پر از لک و پیس بشه، شپش بزنی، اونوقت قدر عافیتو می‌دونی.»^۴

مدیر مدرسه در *تاتار خندان*، برای خدمت به روستا آمده است؛ اما از معاشرت با روستاییان پرهیز می‌کند و حوصله آن‌ها را ندارد.^۵ نداشتن هم‌زبان در روستا، یکی از

۱. منوچهر شفیانی (۲۵۳۶)، *قرعه آخر (مجموعه داستان)*، تهران: امیرکبیر، ص ۴۳-۳۹.

۲. فرهنگ *داستان‌نویسان ایران*، ص ۲۳۱.

۳. *آینه‌های سیاه*، ص ۷-۲۳.

۴. *کوفیان*، ص ۶۸-۶۹.

۵. *تاتار خندان*، ص ۲۴۰، ۲۲۸.

سختی‌های زندگی در روستا است.

با وجود این در تمام این داستان‌ها، معلمی مهربان نظاره‌گر است و همچنان تصویر معلم خوب حفظ می‌شود؛ معلمی که مورد علاقه روستاییان و عشایر است. تنها نگاه متفاوت نویسندگان شهری در مجموعه‌ی *لالی* نوشته بهرام حیدری است. بهرام حیدری نیز مانند بیشتر داستان‌نویسانی که به آثارشان اشاره شد معلم بود.^۱ به‌رغم بازنمایی متفاوت بهرام حیدری در داستان‌های این مجموعه نیز همواره در کنار آموزگاران منفی و خشن، معلمی فداکار و مهربان حضور دارد که به روستاییان کمک می‌کند. از میان ده نویسنده‌ی شهری، هفت تن معلم هستند و دیگر نویسندگان (ناصر مؤذن، غلامحسین ساعدی و محمد محمدعلی) هر کدام تنها یک داستان در این رابطه دارند که در دهه‌ی پنجاه - یعنی پس از انتشار بیش از ده‌ها داستان با شخصیت مثبت از معلم در دهه‌ی چهل - منتشر شده است؛ در واقع این شخصیت‌پردازی مثبت توسط خود معلمان وارد داستان‌ها شده و تثبیت گردیده است. علی شریعتی در *قصه‌ی حسن و محبوبه* وضعیت ایران در دوره‌ی پهلوی را در روستایی به صورت نمادین نشان می‌دهد. در این داستان، نسبت به تمامی گروه‌ها نگاهی بدبینانه وجود دارد و همه‌ی شخصیت‌ها ملا، ژاندارم، ارباب و حتی روشنفکران به طور منفی بازنمایی می‌شوند و فقط معلم داستان شخصیت خوب و مثبتی دارد: «توی یک چنین بساطی یک معلمی بود، معلم مدرسه این ده زندگی دیگه ای داشت، یک فکرهایی توی کله‌اش بود، حرف‌هایی می‌زد، ... یک مشت چیزهایی هم بلد بود، با یک خروار درد و یک دنیا تنهایی، اهل همین ده بود اما مثل یک طاعون زده، وبایی، غریبه... معلمه حرفهای خوبی می‌زد.»^۲ بازنمایی مثبت شریعتی، میزان مقبولیت این شخصیت‌پردازی کلیشه‌ای را در میان طبقه روشنفکر بازتاب می‌دهد؛ جایی که تمام افراد حتی روشنفکران به انفعال و خیانت متهم می‌شوند، معلم به صورت مثبتی نشان داده می‌شود. پس از دهه‌ی پنجاه، هیچ داستانی از نویسندگان شهری وجود ندارد که در آن آموزگاران شاغل در روستا در دوره‌ی پهلوی به تصویر کشیده شده باشند؛ ولی چنانکه اشاره خواهد شد نویسندگان روستایی

۱. فرهنگ داستان‌نویسان، ص ۱۰۷.

۲. علی شریعتی (بی‌تا)، *قصه‌ی حسن و محبوبه*، تهران: حسینیه ارشاد، ص ۷-۸.

همچنان پس از انقلاب نیز تجربیات خود از دوران تحصیل در روستاهای دوره‌ی پهلوی را بیان می‌کنند.

بازنمایی شخصیت آموزگاران در آثار نویسندگان روستایی:

دوره‌ی زمانی	آثار نویسندگان روستایی بر اساس تاریخ نگارش
دهه‌ی چهل	سفر (۱۳۴۷)
دهه‌ی پنجاه	زیر پل پای درخت (۱۳۵۱)، عقیل عقیل (۱۳۵۱)، ازخم چمبر (۱۳۵۳)، آقای امیدی (۱۳۵۳)، علو (۱۳۵۵)، کبودان (۱۳۵۷)
پس از دهه‌ی پنجاه	برزخ خس (۱۳۷۲) (دومین کتاب از رمان سه جلدی روزگار سپری شده مردم سالخورده)، شما که غریبه نیستید (۱۳۸۴)

از ابتدای دهه‌ی چهل، جریان آموزگارسازی آغاز شده بود و شخصیت معلم فداکار به صورت کلیشه‌ای در آثار داستانی تکرار می‌شد. در دوره‌ی پهلوی، گسترش نظام آموزشی در روستا از طرفی موجب ورود آموزگاران و پیدایش داستان‌هایی با مضمون حضور آموزگار خوب در روستا بود؛ اما از طرف دیگر، موجب افزایش سطح سواد روستاییان و دسترسی آن‌ها به ابزار گفتگمانی‌ای شد که پیش‌تر به آن دسترسی نداشتند. از اواخر دهه‌ی چهل، داستان‌هایی نوشته شد که این شخصیت کلیشه‌ای در آن‌ها نادیده گرفته شد؛ تمامی این داستان‌نویسان در روستا متولد شده و تحصیل کرده بودند. در واقع نویسندگان روستایی که در فضای گفتگمانی متفاوتی پرورش یافته‌اند، زمانی که دست به قلم بردند، بازنمایی‌شان از شخصیت آموزگار آنگونه بود که خود تجربه کرده بودند؛ این نویسندگان در نوشته‌هایشان آموزگاران افسرده‌ای را به تصویر می‌کشند که ابایی از تنبیه بدنی و تحقیر کودکان ندارند و مانند برخی داستان‌های شهری چون مدیر مدرسه، و یا اشعاری که در مقدمه بیان شد تنبیه بدنی را امری عادی توصیف نمی‌کنند بلکه با نفرت به توصیف رفتار تحقیرکننده‌ی معلمان می‌پردازند.

در حالی که در داستان‌های نویسندگان شهری، داستان‌های نخستین نگاهی مثبت داشتند و آخرین داستان‌ها شخصیتی خاکستری از آموزگاران را به تصویر می‌کشند.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۳۹

نویسندگان روستایی در نخستین آثارشان تحت تأثیر جامعه‌ی روشنفکری و به دنبال دیده شدن در این جمع، از احکام غالب تبعیت کرده و آموزگار را مثبت بازنمایی می‌کنند، اما در داستان‌های بعدی تماماً به بازنمایی منفی از معلم می‌پردازند. در میان ده اثر از نویسندگان روستایی، شش اثر معلمانی کاملاً منفی را نشان می‌دهند، دو اثر معلم خوب و بد را هم‌زمان نشان می‌دهند و تنها دو اثر معلمی مهربان را به تصویر می‌کشند که نخستین آثار نویسندگان هستند. داستان‌های روستایی نیز تحت شش عنوان بررسی خواهند شد: داستان‌هایی با شخصیت‌پردازی مثبت؛ معلمان افسرده، بداخلاق و سنگدل؛ معلمانی که توقع هدیه دارند؛ معلمانی که زنان را اغفال می‌کنند؛ چگونگی رفتار روستاییان با معلم؛ سختی زندگی در روستا برای معلم شهری.

۱. داستان‌هایی با شخصیت‌پردازی مثبت

در داستان *عقیل عقیل*، دومین داستان محمود دولت‌آبادی، آموزگاری به تصویر کشیده شده است؛ مدیر مدرسه‌ای را می‌بینیم که مانند دیگر روستاییان اعضای خانواده خود را در زلزله از دست داده است. عقیل از مدیر تعریف می‌کند که روستاییان را با سواد می‌کرد. شهربانو، دختر خردسال عقیل، دفتری که آقای مدیر در آن شعری به عنوان سرمشق نوشته است را در دست دارد (چو ایران مباد تن من مباد) و در لحظات پایانی عمرش آن سرمشق را تکرار می‌کند،^۱ اما این تنها داستانی است که محمود دولت‌آبادی، تصویر خوبی از معلم نشان می‌دهد.

داستان بعدی از نویسنده‌ای روستایی، که به بازنمایی شخصیت آموزگار پرداخته؛ «زیر پل، پای درخت» اولین داستان منصور یاقوتی است. معلم این داستان با فهمیدن این موضوع که دانش‌آموزش در هوای طوفانی از مدرسه بیرون رفته است تا به روستای خود برود، خطر را به جان می‌خورد و به تنهایی از روستا خارج می‌شود تا او را بیابد.^۲

پس از این دو داستان، دیگر در هیچ داستانی از نویسندگان روستایی، معلمی با

۱. محمود دولت‌آبادی (۱۳۹۲)، *عقیل عقیل*، تهران: نگاه، ص ۱۳-۱۲.

۲. منصور یاقوتی (بی‌تا)، *زخم (مجموعه داستان)*، بی‌نا، ص ۱۳-۵.

شخصیت مثبت دیده نمی‌شود. در واقع پس از این دو داستان، که اولین تجربه‌ی نویسندگان‌شان بوده و تحت تأثیر آثار روشنفکران شهری قرار دارند، داستان‌نویسان روستایی مجال می‌یابند تا موضع خود را بیان کنند.

۲. معلمان افسرده، بداخلاق و سنگدل

«سفر»، نخستین اثر محمود دولت‌آبادی است، که نویسنده در آن به بازنمایی شخصیت معلم پرداخته است. در چاپ نخست این داستان، به معلمی افسرده و ناراحتی اشاره می‌شود که دقیقاً نمی‌داند چه می‌کند و با خاتون، زن فاحشه‌ای، رابطه دارد. این داستان چند سال بعد مجدداً چاپ شده؛ اما در بازنویسی، شخصیت معلم به طور کامل از داستان حذف شده است.^۱ از نظر نگارنده تغییر چندانی در اصل داستان شکل نگرفته است؛ تنها دو مسأله؛ نخست، فاحشه بودن خاتون و دیگری، حضور معلم افسرده در داستان تغییر کرده است. چرایی این تغییرات برای نگارنده مشخص نیست. تنها دلیلی که به نظر می‌رسد این است که روشنفکران، این بازنمایی شخصیت آموزگار را نپذیرفته‌اند. «سفر»، تنها داستان به قلم نویسنده‌ای روستایی در دهه‌ی چهل است و تغییر موضع دولت‌آبادی در داستان «عقیل عقیل» که پس از «سفر» نوشته شده است این گمان را تقویت می‌کند.

در داستان «آقای امیدی، از یاقوتی نیز معلمی به تصویر کشیده شده که سال اول ورود به روستا معلمی مهربان بوده؛ اما کم‌کم افسرده و عصبی می‌شود و با زنجیر کودکان را تنبیه

۱. عبدالعلی دستغیب (۱۳۷۸)، *تقد آثار محمود دولت‌آبادی*، تهران: ایما، ص ۹۳؛ در نسخه‌ای که از «سفر» امروزه در بازار کتاب موجود است، اثری از این معلم نیست و این شخصیت در داستان حذف شده و حتی اشاره‌ای هم نشده که در این داستان بازنگری شده است. نگارنده حین مطالعه *تقد آثار محمود دولت‌آبادی* اثر عبدالعلی دستغیب، متوجه شدم که نویسنده هنگام اشاره به داستان «سفر» از شخصیت‌هایی می‌گوید و حوادثی را تعریف می‌کند که با نسخه‌ای که در دست دارم متفاوت است و از طرفی آقای دستغیب نیز به نسخه دوم داستان سفر اشاره‌ای نکرده است، با دقت به سال چاپ دو نسخه، متوجه شدم که این داستان ابتدا در ۱۳۴۷ چاپ شده و بعد در ۱۳۵۲ نسخه بازنگری شده آن منتشر شده است. به‌رغم تمام تلاش‌ها، موفق به پیدا کردن نسخه اولیه داستان نشدم، و در تمام کتابخانه‌های که دسترسی داشتم، نسخه دوم داستان سفر وجود داشت، و در این قسمت برای ارجاع تنها می‌توانستم به کتاب آقای دستغیب ارجاع دهم.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۴۱

می‌کند.^۱ علو پسر بچه‌ی روستایی داستان «علو» از معلم‌ها، بدش می‌آید زیرا او را بابت نداشتن کفش تحقیر می‌کنند و سر مسایل جزیی کتک می‌زنند.^۲

محمود دولت‌آبادی و هوشنگ مرادی کرمانی، دو نویسنده‌ی مطرح روستایی، زمانی که در داستان‌های روزگار سپری شده‌ی مردم سالخورده و شما که غریبه نیستید، از زندگی خود در روستا می‌گویند به بازنمایی شخصیت معلم در دوره‌ی پهلوی دوم می‌پردازند. در برزخ خس، از کتک‌های معلم و بی‌توجهی‌اش گفته می‌شود که چطور دانش‌آموزانی را که لباس کامل و مناسب ندارند در زمستان به ورزش کردن وامی‌دارد.^۳ در داستان شما که غریبه نیستید، عموی هوشو که معلمی مهربان است حضور دارد که چشم‌داشتی به هدایای شاگردانش ندارد و نسبت به آن‌ها دلسوزانه رفتار می‌کند.^۴ این تصویرسازی خوب می‌تواند به سه علت باشد: نخست، این معلم خودش نیز در مدارس روستایی درس خوانده است، دوم اینکه او هیچ‌گاه معلم هوشو نبوده است، و سوم آنکه مرادی کرمانی به دلیل علاقه‌ای که به عمویش داشته است نمی‌توانسته تصویری منفی از او نشان دهد. در ادامه‌ی داستان وقتی خود هوشو به مدرسه می‌رود معلم‌ها چهره‌ای منفی پیدا می‌کنند، کودکان را کتک می‌زنند یا می‌دهند تا عبدل شاگرد قلچماق مدرسه بزند.^۵

۳. معلمانی که توقع هدیه دارند

در دو داستان «علو» و «آقای امیدی»، به فرق گذاشتن معلم میان شاگردان اشاره می‌شود؛ کسی که وضعیت مالی بهتری دارد عزیزتر است؛ زیرا برای معلم هدایای بهتری می‌برد و او را به مهمانی دعوت می‌کند.^۶ دولت‌آبادی در داستان کبودان، منفی‌ترین بازنمایی از

۱. با بچه‌های ده خودمان، ص ۳۲-۴۱

۲. محمدرضا صفدری (۱۳۶۸)، سیاست‌پو (مجموعه داستان)، شیراز: نشر شیراز، ص ۴۳-۴۴.

۳. همان، ص ۴۰.

۴. هوشنگ مرادی کرمانی (۱۳۸۹)، شما که غریبه نیستید، تهران: معین، ص ۱۰۳، ۱۱، ۹، ۷.

۵. همان، ص ۸۹-۹۰.

۶. با بچه‌های ده خودمان، ص ۳۴؛ سیاست‌پو، ص ۶۶-۶۷.

شخصیت معلم را ارایه می‌دهد؛ معلم این داستان به زور از اهالی هدیه می‌گیرد و خود را هر وعده در خانه یکی مهمان می‌کند، به کم هم قانع نیست و به دیگران می‌گوید مردم به اصرار او را دعوت می‌کنند و به او هدیه می‌دهند.^۱

در داستان برزخ خس، شاگردان ثروتمند برای معلم مواد لبنی بسیاری می‌برند و او هم دست رد به سینه هیچ کس نمی‌زند. شاگردان با وضع مالی پایین تر که تفاوت رفتار معلم را می‌بینند، خانواده‌ی خود را تحت فشار قرار می‌دهند تا معلم را به خانه‌ی خود دعوت کنند. در آخر معلم به لطف هدایای دانش‌آموزان در شهر لبنیاتی باز می‌کند.^۲

۴. معلمانی که زنان روستایی را اغفال می‌کنند

داستان از خم چمبر، سومین اثر محمود دولت‌آبادی است که در آن به بازنمایی شخصیت معلمی می‌پردازد، که مانند معلم داستان «سفر» افسرده است و شور و شوق سال‌های اولی که به روستا آمده را از دست داده. آقای مدیر زن کسی که او را مثل برادر می‌داند و همیشه هوایش را دارد اغفال کرده است و به این زن وعده‌ی ازدواج می‌دهد اما در نهایت روستا را بدون او ترک می‌کند و داستان با مرگ شوهر زن تمام می‌شود.^۳ این داستان با مخالفت نویسندگان شهری مواجه شد. سال‌ها بعد، دولت‌آبادی علت طرد این اثر از سوی روشنفکران را چنین بیان می‌کند: «شخصیت معلم با معیارهای آموزگارسازی دهه‌های ۴۰-۵۰ کاملاً فرق می‌کند؛ چون بعد از شناخته شدن شادروان صمد بهرنگی، دید جامعه روشنفکر ایران نسبت به آموزگار، علی‌الظاهر، تعیین شد؛ دیدی که با انتشار مدیر مدرسه شادروان جلال آل احمد، بیخ و بارو یافته بود. اما من، نه صمد بودم و نه جلال؛ که آن‌ها روستا را با معلمی تجربه کرده بودند و من با شاگردی...»^۴

۱. حسین دولت‌آبادی (۱۳۵۷)، کبودان، تهران: امیرکبیر، ص ۶۳۶، ۶۳۱، ۵۶۹-۵۶۸، ۴۵۳-۴۵۲، ۴۴۹-۴۴۸.

۲. محمود دولت‌آبادی (۱۳۸۶)، برزخ خس، تهران: چشمه، ص ۳۷-۳۶.

۳. محمود دولت‌آبادی (۱۳۹۲)، از خم چمبر، تهران: نگاه، ص ۹۱، ۵۶-۵۹، ۴۱، ۳۶-۳۳، ۳۰-۲۹، ۲۶، ۱۹-۲۰، ۱۱.

۴. امیرحسین چهل تن و دیگران (۱۳۷۳)، ما نیز مردمی هستیم، تهران: چشمه، ص ۸۰.

چگونگی بازنمایی شخصیت آموزگاران روستا در داستان‌های نویسندگان ... ۱۴۳

معلم رمان *کیودان* نیز با یکی از زنان شوهردار جزیره، رابطه‌ی نامشروع دارد. در داستان چندین بار به تلاش او برای نزدیک شدن به جمعه، پسر نوجوان بلوچ، اشاره می‌شود؛ و اتاق معلم پر از تصویر زنان برهنه است.^۱ به وجود چنین تصاویری در اتاق معلم داستان/از خم چمبر نیز اشاره شده است.^۲

۵. چگونگی رفتار روستاییان با آموزگاران شهری

در آثار نویسندگان روستایی، سه دیدگاه متفاوت از روستاییان نسبت به آموزگار وجود دارد. در داستان‌های *از خم چمبر* و *عقیل عقیل* به احترام و گاه علاقه روستاییان نسبت به آموزگار اشاره می‌شود. در داستان‌های «زیریل پای درخت» و *شما که غریبه نیستید* هیچ اشاره‌ای به احساس و چگونگی رفتار روستاییان نسبت به آموزگار نمی‌شود؛ و در مجموعه آثاری مانند *کیودان*، «آقای امیدی»، «علو» و *برزخ خس* نفرت روستاییان از آموزگار بازتاب می‌یابد.

۶. سختی زندگی در روستا برای معلم شهری

در داستان‌های نویسندگان روستایی، به سختی زندگی در روستا برای تحصیل‌کردگان شهری اشاره می‌شود و همین، علت رفتار بد معلم دانسته می‌شود؛ اما در آثار شهری ضمن اشاره به این سختی‌ها، معلم همچنان صبور و مهربان باقی می‌ماند. پیش از این اشاره شد که معلم داستان‌های *از خم چمبر* و «آقای امیدی» هر دو در سال اول، شور و شوق بسیاری داشتند اما کم‌کم افسرده شدند و تغییر رفتار دادند.^۳ در رمان *شما که غریبه نیستید*، از زبان دانش‌آموزی که شب‌ها نزد معلم روستا می‌ماند، به گریه‌های شبانه‌ی آموزگار اشاره می‌شود.^۴ در داستان *کیودان*، دوری از همسر و فرزند، مدیر مدرسه را آزار می‌دهد و گاه به خاطر فشارهای عصبی کارهای عجیبی انجام می‌دهد.^۵

۱. *کیودان*، ص ۶۲۴-۶۲۲، ۶۱۹، ۵۸۶.

۲. *از خم چمبر*، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۳۶-۳۳؛ *با بچه‌های ده خودمان*، ص ۴۱-۴۰.

۴. *شما که غریبه نیستید*، ص ۹۰-۸۹.

۵. *کیودان*، ص ۶۲۲.

نتیجه

با بررسی این آثار، درمی‌یابیم که نویسندگان شهری تحت تأثیر گفتمان شهری، به تکرار نگاه کلیشه‌ای از آموزگار می‌پردازند؛ در این آثار، معلمان نگاهی به مال و ناموس روستاییان ندارند، همواره کمک حال روستاییان هستند، از تنبیه کودکان خودداری می‌کنند و محبوب هستند. علاوه بر این، نقش نویسندگانی که معلم هستند، در بازتولید شخصیت کلیشه‌ای آموزگار قابل توجه است.

اما روستاییانی که با ورود نظام آموزشی، به ابزار گفتمانی‌ای چون داستان‌نویسی دست‌یافته‌اند، به خاطر تجربیات خود و قرار گرفتن در فضای گفتمانی متفاوت، بازنمایی متفاوتی از آموزگار ارایه می‌دهند و عموماً آموزگاران را افرادی افسرده نشان می‌دهند که به آزار کودکان می‌پردازند، زنان روستایی را اغفال می‌کنند و بر اساس موقعیت خانوادگی و ثروت دانش‌آموزان رفتار دوگانه‌ای از خود نشان می‌دهند. در آثار نویسندگان روستایی، روستاییان بنا به شرایط، نگرش متفاوتی نسبت به آموزگار دارند. تنها وجه اشتراک آثار نویسندگان شهری و روستایی اشاره به سختی‌های زندگی آموزگاران در روستا و حال روحی بد این افراد است.

فهرست منابع و مآخذ

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶)، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.
- آل احمد، جلال (۱۳۸۳)، نفرین زمین، تهران: فردوس.
- آل احمد، جلال (۱۳۵۰)، مدیر مدرسه، تهران: امیرکبیر.
- برک، پیتر (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگی چیست؟، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۸)، مثنوی هفت‌اورنگ، ج ۲، تصحیح و تحقیق از اعلاخان افصح‌زاد و حسین احمد تربیت، تهران، مرکز مطالعات ایرانی، مرکز نشر میراث مکتوب، آینه میراث.
- چهل‌تن، امیرحسین و فریدون فریاد (۱۳۷۳)، ما نیز مردمی هستیم، تهران: چشمه.
- حیدری، بهرام (۱۳۵۸)، لالی (مجموعه داستان)، تهران: امیرکبیر.
- داد، سیما (۱۳۷۱)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- درویشیان، علی اشرف (۲۵۳۶)، از این ولایت (مجموعه داستان)، تهران: شبگیر.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸)، نقد آثار محمود دولت‌آبادی، تهران: ایما.
- دوستدار، فریدون (۱۳۵۱)، خانواده بزرگ / قنار / محمود دولت‌آبادی، تهران: توس.
- دولت‌آبادی، حسین (۱۳۵۷)، کبودان، تهران: امیرکبیر.
- دولت‌آبادی، محمود (۱۳۹۲)، از خم چمبر، تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۸۶)، برزخ خس (کتاب دوم از مجموعه روزگار سپری‌شده مردم سالخورده)، تهران: نشر چشمه.
- _____ (۱۳۹۲)، سفر، تهران: نگاه.
- _____ (۱۳۹۲)، عقیل عقیل، تهران: نگاه.
- سعدی، غلامحسین (۱۳۷۳)، تاتار خندان، تهران: به‌نگار.
- سعدی، مصلح ابن عبدالله (۱۳۶۸)، بوستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- شریعتی، علی (بی‌تا) قصه حسن و محبوبه؛ تهران: حسینیه ارشاد.
- شفیانی، منوچهر (۲۵۳۶)، قرعه آخر (مجموعه داستان)، تهران: امیرکبیر.
- صفدری، محمدرضا (۱۳۶۸)، سیاست‌نبو (مجموعه داستان)، شیراز: نشر شیراز.
- فقیری، امین (۱۳۵۳)، دهکده پر ملال (مجموعه داستان)، تهران: مرکز نشر سپهر.
- _____ (۱۳۵۷)، سخن از جنگل سبز است و تبردار و تبر (نه داستان و یازده طرح)، تهران:

زردیس.

- _____ (۲۵۳۶)، کوفیان (مجموعه ده قصه)؛ تهران: سپهر.
- فوکو، میشل (۱۳۹۳)، تاریخ جنون، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۹۳)، دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- _____ (۱۳۹۲)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- کیانوش، محمود (۱۳۴۹)، آینه‌های سیاه (مجموعه داستان)، تهران: نیل.
- محمدعلی، محمد (۱۳۵۴)، دره هندآباد (مجموعه داستان)؛ تهران: پیروز.
- مرادی کرمانی (۱۳۸۹)، هوشنگ؛ شما که غریبه نیستید، تهران: معین.
- مؤذن، ناصر (۱۳۵۲)، رقص در انبار (مجموعه داستان)، تهران: کتاب میرا.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۷)، صدسال داستان‌نویسی ایران، ج ۴، تهران: چشمه.
- _____ (۱۳۸۶)، فرهنگ داستان‌نویسان ایران، از ابتدا تا امروز، تهران، چشمه.
- میلز، سارا (۱۳۸۸)، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، زنجان: هزاره سوم.
- هلیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین؛ تهران: امیرکبیر.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- هوگلاند، اریک. ج (۱۳۸۱)، زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰)، تهران: شیرازه.
- یاقوتی، منصور (۱۳۵۳)، با بچه‌های ده خودمان (مجموعه داستان)؛ تهران: آوا.
- _____ (بی‌تا)، زخم (مجموعه داستان)، بی‌نا.
- قآنی، میرزا حبیب‌الله شیرازی (بی‌تا)، قصاید قآنی، تهران: بی‌نا.